

حشر با محبوب از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

فاطمه خاتون^۱

چکیده

محشور شدن یکی از مباحث مهم معاد است و مانند معاد با زندگی ابدی انسان در سرای آخرت گره خورده است. روایات بسیاری به این امر اشاره دارند که انسان‌ها بعد از مرگ با محبوب خود محشور می‌شوند. اینجاست که محبوب‌های زندگی مادی مهم می‌شوند تا حدی که بر زندگی ابدی انسان نیز تأثیر می‌گذارند. از این رو پس از پذیرش احادیث دو مسئله حشر و محبوب لازم است ارتباط این دو و چرایی و چگونگی این ارتباط بررسی شود. نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری کتابخانه‌ای، مسئله حشر با محبوب را از دیدگاه علامه جوادی آملی بررسی می‌کند. بر این اساس پس از معرفی انواع محبوب‌ها، محبوب حقیقی مشخص شده و این نتیجه به دست آمد که چون محبوب هر فرد، معبود او قرار می‌گیرد، پس هرکس با محبوب خود محشور می‌شود. همچنین به دست آمد که تولی و تبری، اطاعت و ولایت، معلول مستقیم محبت است، پس دوستی به دلیل خدادوستی و دشمنی به دلیل خدادوستی در این مبحث نیز معنا می‌شود.

واژگان کلیدی: حشر، معاد، حب و بغض، تولی و تبری، محبوب، آیت‌الله

جوادی آملی.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد کلام اسلامی از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

مسئله معاد ابعاد گسترده‌ای دارد. پس از اثبات و پذیرش اصل آن در قالب یکی از اصول دین باید ابعاد و مسائل جزئی آن نیز به صورت دقیق مطالعه شود. یکی از مسائل جزئی که مرحله‌ای از مراحل معاد است و قرآن در بیش از سی آیه به آن اشاره کرده مسئله حشر است. در کنار این مسئله، مسئله دیگری نیز در روایات آمده است و آن محشور شدن با محبوب است. جمع این دو مسئله انسان را به سمت این سؤال سوق می‌دهد که چرا مسئله محبت که در ظاهر مادی و مربوط به زندگی دنیوی انسان است با زندگی اخروی او گره می‌خورد. بحث معاد و زندگی پس از مرگ مسئله‌ای است که از ابتدای پیدایش انسان‌ها با آنها همراه بوده است. مسئله حشر به طور خاص مسئله‌ای است که با اسلام و نزول قرآن مورد توجه قرار گرفته است. از این رو متکلمان و فیلسوفان ابتدا به بحث معاد در قالب یکی از اصول دین پرداخته و بعدها به صورت جزئی‌تر و ویژه‌تر به مسئله حشر و مراحل و ویژگی‌های آن اشاره کرده‌اند. بحث محبت نیز بیشتر در نوشته‌های عارفان و شعر شاعران دیده می‌شود و در علم کلام، بیشتر به صورت حب و بغض یا تولی و تبری و تأثیرات آن مطرح شده است. درباره اصل و امکان وقوع، مواقف و مراحل آن مقاله‌های بسیاری نوشته شده، اما رابطه آن با محبت بررسی نشده است. همچنین نوشته‌های بسیاری به بحث حب و بغض و تولی و تبری و تأثیر آن پرداخته‌اند، اما کمتر به رابطه آن با حشر توجه شده است. مقاله حاضر، رابطه و چرایی همراهی این دو امر را با توجه به آیات قرآن و تفسیر آنها از نگاه آیت‌الله جوادی آملی بررسی می‌کند.

مفهوم‌شناسی

۲-۱. حشر در لغت

حشر در لغت مصدر فعل حَشَرَ و از نظر صرفی مثل فعل «قَتَلَ» است؛ یعنی هم وزنش و هم متعدی بودنش مانند فعل «قَتَلَ» است. (فیومی، بی تا، ۱۳۶/۲) از نظر معنایی، لغت‌شناسان معتقدند که جمع کردن، جزء اصلی معنای حشر است؛ خواه معنای کامل آن یا بخشی از معنای



حشر باشد؛ یعنی در اینکه این واژه به معنای مطلق جمع است یا ویژگی خاصی دارد، اختلاف دارند. صاحب مجمع البحرین نیز معنای جمع کردن را برای واژه حشر آورده است (طریحی، ۱۴۱۶، ۲۶۸/۳). واژه حشر درجایی استفاده می‌شود که سه ویژگی برانگیختن، راندن، جمع و اجتماعی بودن، کنار هم گرد آمده باشند (مصطفوی، ۱۴۰۲، ۲۲۳/۲). راغب اصفهانی نیز آن را تأیید می‌کند و می‌گوید: «حشر، بیرون کردن افراد از جایگاهشان و وادار کردن آنها به جنگ یا همانند آن است» (اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲۳۷/۱). از همین رو، روز قیامت را یوم الحشر می‌گویند؛ زیرا مردم در روز قیامت جمع می‌شوند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۹۰/۴). می‌توان گفت که حشر، جمع شدن خاصی است.

۲-۲. حشر در اصطلاح

حشر در اصطلاح، علم و اسم بوده و برای یکی از سوره‌های قرآن به کار رفته است. حشر، یکی از اسمای روز قیامت است و لغت‌شناسان به آن اشاره کرده‌اند. حشر در اصطلاح علم کلام، گردآوری و جمع کردن مردم در روز قیامت و زنده شدن پس از مرگ است. (مصطفوی، ۱۴۰۲، ۱۲۰/۱۲)

۲-۳. محبوب در لغت

محبوب از ریشه (ح ب ب) اسم مفعول حب و نقیض مغضوب است. ریشه (ح ب ب) سه معنای مختلف کوتاهی، لزوم و ثبات دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲۶/۲) و حب به معنای دوست داشتن است (قرشی، ۱۴۱۲، ۹۳/۲). اصل حب از حبه به معنای دانه گرفته شده است؛ زیرا محبوب در تخم و دانه مرکزی قلب نفوذ دارد که از آن به سویدای دل یاد می‌شود. از این رو، اصطلاح محبت را برای آن به کار می‌برند. حب و محبت در برابر بغض و نفرت به معنای خواستن چیزی است که خیر دانسته شود و یا گمان به خیر بودن آن برود (اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲۱۴/۱).

۲-۴. محبوب در اصطلاح

محبوب کسی را می‌گویند که مورد حب واقع می‌شود.

۳. حشر در آیات قرآن کریم

مشتقات این واژه بیش از سی‌بار پیرامون قیامت آمده است که به چندین مسئله مهم اشاره می‌کند:

۱-۳. همگانی بودن حشر انسان‌ها

آیاتی مانند آیه ۳۷ سوره کهف: «روزی را به خاطر بیاور که کوه‌ها را به حرکت درآوریم و زمین را آشکار (و مسطح) می‌بینی و همه آنان [=انسان‌ها] را برمی‌انگیزیم و احدی از ایشان را فروگذار نخواهیم کرد». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ۲۹۹/۱) آیه ۹ سوره آل عمران، آیه ۴۲ سوره دخان، آیه ۴۷ سوره کهف، آیه ۱۱۱ سوره انعام، آیه ۴۵ سوره یونس همگی به همگانی بودن و اجتماعی بودن حشر انسان‌ها اشاره دارند.

۲-۳. مؤکد شدن حشر اجتماعی با واژه جمیعا

در برخی از آیات قرآن مشتقات واژه حشر همراه با لفظ: «جمیعا» آمده است که تأکید بیشتری برهمگانی بودن حشر دارد مانند آیه ۲۲ سوره انعام: «آن روز که همه آنها را محشور می‌کنیم، سپس به مشرکان می‌گوییم: معبودهایتان که همتای خدا می‌پنداشتید، کجایند. (چرا به یاری شما نمی‌شتابند)». همین تأکید: «جمیعا: همگی آنها» در آیات ۱۷۲ سوره نساء، آیه ۱۲۸ سوره انعام، آیه ۲۸ سوره یونس و آیه ۴۰ سوره سبأ نیز آمده است.

۳-۳. حشر حیوانات

گاهی به صورت خاص بر حشر حیوانات تأکید شده است مانند آیه ۳۸ سوره انعام: «هیچ جنبنده‌ای در زمین و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند، نیست مگر اینکه امت‌هایی همانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب فروگذار نکردیم، سپس همگی به سوی پروردگارشان محشور می‌گردند». آیه ۵ سوره تکویر نیز به محتوای نزدیک به این اشاره می‌کند.



براساس این آیات، مفسران حشر را سه قسم دانسته‌اند: حشر خلائق (به‌طور کلی)، حشر انسان‌ها، حشر وحوش و حیوانات.

۳-۴. محشورکننده بودن خدا

در برخی آیات به این امر اشاره شده است که حشر به‌جانب خداوند است و با اراده او صورت می‌پذیرد و در برخی دیگر از آیات اشاره می‌شود که محشورکننده، خداست مانند آیه ۲۵ سوره حجر: «پروردگار تو قطعاً آنها را در قیامت جمع و محشور می‌کند؛ زیرا او حکیم و داناست». آیه ۱۵۸ سوره آل عمران، آیه ۵۱ و ۷۲ سوره انعام، آیه ۷۹ سوره مؤمنون، آیه ۲۴ سوره ملک نیز به حشر به‌سوی خداوند اشاره دارند.

۳-۵. آسان بودن حشر

در آیه ۴۴ سوره ق از مسئله حشر به امری آسان: «یسیر یعنی، آسان» یاد شده است: «روزی که زمین به‌سرعت از روی آنها شکافته می‌شود و (از قبرها) خارج می‌گردند و این جمع کردن برای ما آسان است». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ۵۲۰/۱)

۳-۶. زمان وقوع حشر

در آیه ۱۰۲ سوره طه نیز از زمان وقوع حشر صحبت شده است: «همان روزی که در صور دمیده می‌شود و مجرمان را با بدن‌های کبود در آن روز جمع می‌کنیم». براساس تفسیر این آیه همراه با آیات بعدی، زمان وقوع حشر پس از نفخ صور دوم و قبل از مرحله شفاعت است که در آیات بعدی به آن (شفاعت) اشاره شده است.

۳-۷. چگونگی حشر

برخی آیات، چگونگی حشر و کیفیت آن را توصیف کرده‌اند. برای نمونه درباره شیوه حشر افراد گمراه یا ضال در آیه ۹۷ سوره اسراء آمده است: «آنها را بر صورت‌هایشان محشور می‌کنیم درحالی‌که نابینا و گنگ و کزند. جایگاهشان دوزخ است. هر زمان آتش آن فرونشیند شعله تازه‌ای

بر آنان می‌افزاییم». در آیه ۳۴ سوره فرقان آمده است: «(تو گمراه نیستی) آنان که بر صورت‌هایشان به سوی جهنم محشور می‌شوند بدترین محل را دارند و گمراه‌ترین افرادند». در آیات ۱۲۳-۱۲۶ در ادامه وضعیت بنی‌آدم بر روی زمین، مکالمه‌ای میان خدا و رویگردانان از او نقل شده است: «و هرکس از یاد من رویگردان شود زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا محشور می‌کنیم. می‌گوید: «پروردگارا چرا نابینا محشور کردی؟» من که بینا بودم». این آیات کیفیت محشور شدن گروه‌هایی را بیان می‌کند که آیات الهی را فراموش کرده‌اند و اشاره لطیفی هم به بحث تجسم اعمال دارد؛ یعنی هر انسانی در قیامت به همان شکلی محشور می‌شود که در دنیا برای خود به واسطه اعمال ساخته است.

۳-۸. مسیر حشر

مسیر حشر متقین به سوی خداوند متعال است. آیه ۸۵ سوره مریم به حشر متقین به سوی خداوند الرحمن تصریح می‌کند: «در آن روز که پرهیزگاران را دسته‌جمعی به سوی خداوند رحمان (و پادشاه‌های او) محشور می‌کنیم». در ادامه آیه نیز مسیر حشر افراد خاطی به سوی جهنم بیان می‌شود و می‌فرماید: «و مجرمان را (همچون شتران تشنه‌کامی که به سوی آبگاه می‌روند) به جهنم می‌رانیم» (مریم: ۸۶). در آیه ۱۴ سوره آل عمران و آیه ۳۶ سوره انفال نیز به حشر به سوی جهنم اشاره شده است. در آیه ۱۹ سوره فصلت نیز به جای واژه: «جهنم» از واژه: «نار» استفاده شده است.

۴. مکی یا مدنی بودن آیات حشر

با بررسی آیات حشر می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر آیات مربوط به حشر مکی هستند و در سوره‌های مدنی اگر سخن از حشر به میان آمده است با توجه به این بوده که حشر امری پذیرفته شده است. برای مثال در آیه ۲۰۳ سوره بقره خداوند از احکام حج سخن می‌گوید، سپس می‌فرماید: «از این حشر کوچک (حج) برای حشر بزرگ تذکر بگیرید برای کسی که تقوا پیشه کند و از خدا بپرهیزد و بدانید شما به سوی او محشور خواهید شد» (ص: ۳۲). آیاتی که عبارت

«اتقواالله» را همراه حشر ذکر کرده‌اند داشتن تقوا را متذکر می‌شوند مانند آیه ۱۹۶ سوره مائده و آیه ۱۱ سوره مجادله.

۵. امکان وقوع حشر

برای امکان وقوع حشر باید ابتدا امکان وقوع معاد بررسی شود. بعد اثبات وقوع معاد، حشر که مرحله‌ای از مراحل معاد است، پذیرفته می‌شود. در کتاب پیام قرآن، آیت‌الله مکارم شیرازی ذیل تفسیر آیه ۷۳ سوره بقره و ماجرای گاو بنی اسرائیل به هفت دلیل بر امکان وقوع معاد اشاره می‌کند و می‌نویسد: «دلایلی که صریحاً یا اشارتاً در زمینه تحقق معاد از قرآن مجید استفاده می‌شود عمدتاً هفت دلیل است که عبارتند از: دلیل فطرت، حکمت، عدالت، حرکت و هدف، رحمت، نفی اختلاف، بقای روح». سپس این دلایل را بیان می‌کند که به یکی از مهمترین آنها اشاره می‌شود:

۵-۱. دلیل عدالت

یکی از اوصاف خداوند عدالت است؛ عدالتی که نشانه‌های آن در جای جای عالم هستی، در آسمان‌ها، در زمین، در وجود خود انسان، در ضربان قلب و گردش خون او و در سراسر این جهان دیده می‌شود و آمده که آسمان‌ها و زمین با عدالت بریاست. بنابراین، آیا انسان می‌تواند وصله‌ای ناجور در این عالم پهن‌اور باشد و از عدالت عمومی جهان برکنار بماند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۱۹۷/۵) از سوی دیگر، تاریخ گذشته انسان و حوادث امروز به خوبی نشان می‌دهد که احقاق حق مظلومان و کیفر ظالمان هرگز در این جهان به طور کامل انجام نشده است؛ یعنی ممکن است این مسئله به صورت موضوعی جزئی‌دهنده شود، ولی نه به صورت قضیه‌ای کلیه و فراگیر (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۱۹۷/۵). «پس عدالت حاکم بر این عالم که پرتوی از عدالت خدا است، ایجاب می‌کند روزی فرارسد که پرونده اعمال همه انسان‌ها بدون استثناء با دقت‌ترین حساب بررسی شود و این همان روزی است که رستاخیزش می‌نامیم» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۱۹۷/۵). آیت‌الله سبحانی هم در کتاب المحاضرات فی الاهیات در بحث ضرورت وقوع معاد به همین دلیل عدل الهی اشاره می‌کند (سبحانی، ۱۳۹۸، ۳۹۹/۱).

۶. حشر با معبود

یکی از مباحث مهمی که در آیات معاد و جهان پس از مرگ مطرح شده مسئله حشر با محبوب است. این مطلب در برخی آیات به وضوح یافت می شود. آیه ۱۷ سوره فرقان در این زمینه می فرماید: «(به خاطر بیاور) روزی را که همه آنان و معبودهایی را که غیر از خدا می پرستند، جمع می کند. آن گاه به آنها می گوید: آیا شما این بندگان مرا همراه کردید یا خود آنان راه را گم کردند». آیه ۶ سوره احقاف می فرماید: «و هنگامی که مردم محشور می شوند معبودهای آنها دشمنانشان خواهند بود، حتی عبادت آنها را انکار می کنند». براساس این آیات، حشر با معبود ریشه قرآنی دارد و قرآن به صراحت به آن اشاره کرده است.



۷. حب در آیات قرآن کریم

کلمه حب و مشتقات آن بیش از ۸۰ بار در قرآن به کار رفته است. بیش از سی آیه در قرآن با عبارت: «اللّه یحب» و یا «اللّه لایحب» آمده و خداوند در این آیات به صورت صفات ثبوتی و سلبی محبوبان خود را مشخص کرده است. محتوای آیات حب به صورت ذیل است:

۷-۱. انفاق از مال مورد علاقه

گروهی از آیات به صورت اخلاقی به بحث انفاق پرداخته اند. خداوند بخشش از مال مورد حب و علاقه را از ویژگی های اهل ایمان می داند مانند آیه ۱۷۷ سوره بقره: «و مال (خود) را با همه علاقه ای که به آن دارد به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان انفاق می کند» (ص: ۲۷). آیه ۱۹۲ سوره آل عمران: «هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی رسید مگر اینکه از آنچه دوست می دارید (در راه خدا) انفاق کنید و آنچه انفاق می کنید خداوند از آن آگاه است» (ص: ۶۲) که خداوند حقیقت «بر» و نیکوکاری را در انفاق از مال مورد حب معرفی می کند. در آیه ۸ سوره انسان در ماجرای انفاق اهل بیت علیهم السلام خداوند مثال و مصداقی از اوج این انفاق را معرفی می کند: «و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند به مسکین و یتیم و اسیر می دهند».

۷-۲. حب در وقایع قرآنی

در برخی از ماجراها و وقایع قرآنی از حب سخن آمده است مانند برخی آیات که به ادعاهای یهود اشاره می‌کنند که گاهی آنها خود را قوم محبوب خدا و گاهی خود را فرزندان خدا می‌دانند مانند آیه ۱۸۸ سوره آل عمران و آیه ۱۸ سوره مائده. کلمه: «حب» در سوره یوسف سه بار آمده است که به اقسام محبت‌های دنیوی مانند علاقه حضرت یعقوب به حضرت یوسف علیه السلام، علاقه زلیخا به حضرت یوسف علیه السلام، علاقه حضرت یوسف علیه السلام به زندان نسبت به گناه اشاره دارد. در آیه ۳۹ سوره طه خداوند به حضرت موسی علیه السلام می‌فرماید: «و من محبتی از خودم بر تو افکندم تا در برابر دیدگان [=علم] من ساخته شوی (و پرورش یابی)». در آیه ۳۲ سوره «ص» از زبان حضرت سلیمان کلمه حب بیان می‌شود که اساس حب او حب خداوند است: «گفت: من این اسبان را به خاطر پروردگارم دوست دارم و می‌خواهم از آنها در جهاد استفاده کنم. او به آنها نگاه کرده تا از دیدگانش پنهان شدند».

۷-۳. حب و علاقه به امور مادی

در آیه ۲۰ سوره فجر و آیه ۸ سوره عادیات که به حب و مال دنیا اشاره شده است. آیه ۱۴ سوره آل عمران محبت‌های دنیوی را این‌گونه برمی‌شمارد: «محبت امور مادی از زنان و فرزندان و اموال هنگامت از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت در نظر مردم جلوه داده شده است (تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند، ولی (اینها) در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند) سرمایه زندگی پست (مادی) است و سرانجام نیک (و زندگی والا و جاویدان) نزد خداست».

۷-۴. حب مذموم و ممدوح

در برخی دیگر از آیات، حب به معنای ترجیح چیزی بر چیز دیگر به کار رفته است. در برخی آیات هم با همین معنای ترجیح آمده است، اما به ترجیح دنیا بر آخرت اشاره دارد مانند آیه ۳ سوره ابراهیم که فرمود: «همان‌ها (کفار) که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند و (مردم را) از راه خدا بازمی‌دارند و می‌خواهند راه حق را منحرف سازند؛ آنها در گمراهی دوری هستند». آیه ۱۰۷

سوره نحل نیز به این مضمون اشاره کرده است. ترجیح کوری و ضلالت بر هدایت نیز در برخی آیات حب تعبیر شده است مانند آیه ۱۷ سوره فصلت: «ما ثمود را هدایت کردیم، ولی آنها نایبایی را بر هدایت ترجیح دادند. به همین دلیل صاعقه - آن عذاب خوارکننده - به دلیل اعمالی که انجام می دادند آنها را فروگرفت». ترجیح کفر بر ایمان مانند آیه ۲۳ سوره توبه: «ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه پدران و برادران شما کفر را بر ایمان ترجیح دهند آنها را ولی خود قرار ندهید و کسانی از شما که آنان را ولی خود قرار دهند، ستمگرند».



بنابراین، می توان گفت این ترجیح ها حب را به دو گروه تقسیم می کند: حب ممدوح و حب مذموم و مجموعه آیات پیش گفته به ترجیح دادن حب مذموم بر حب ممدوح اشاره می کرد. آیه ۱۵۲ سوره آل عمران نیز بعد از اشاره به ماجرای احد به انتخاب براساس حب می پردازد: «و بعد از آنکه آنچه را دوست می داشتید (از غلبه بر دشمن در جنگ احد) به شما نشان داد نافرمانی کردید. بعضی از شما خواهان دنیا بودند و بعضی خواهان آخرت. سپس خداوند شما را از آنان منصرف ساخت (و پیروزی شما به شکست انجامید) تا شما را آزمایش کند. و او شما را بخشید و خداوند نسبت به مؤمنان، فضل و بخشش دارد». در این آیه به این اشاره می کند که گروهی دنیا و گروهی آخرت را برمی گزینند و انتخاب می کنند.

۸. حب معبود و آثار آن

آیه ۱۶۵ سوره بقره به انواع حب براساس معبودها اشاره می کند و می فرماید: «بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می کنند و آنها را همچون خدا دوست می دارند، اما آنها که ایمان دارند عشقشان به خدا (از مشرکان نسبت به معبودهایشان) شدیدتر است و آنها که ستم کردند (و معبودی غیر خدا برگزیدند) هنگامی که عذاب (الهی) را مشاهده کنند، خواهند دانست که تمام قدرت از آن خداست و خدا دارای مجازات شدید است (نه معبودهای خیالی که از آنها می هراسند)». در آیه ۳۱ سوره آل عمران به حب خداوند اشاره شده و پیروی از پیامبر ﷺ شرط آن شده است: «بگو اگر خدا را دوست می دارید از من (پیامبر) پیروی کنید! تا خدا (نیز)

شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد و خدا آمرزنده مهربان است». آیه ۵۴ سوره مائده به حب دوطرفه انسان و خدا اشاره می‌کند و آثاری را برای این نوع از حب یادآور می‌شود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرکس از شما از آیین خود بازگردد (به خدا زبانی نمی‌رساند. خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند. آنها در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این فضل خداست که به هرکس بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد و (فضل) خدا وسیع و خداوند داناست». نتیجه‌ای که از این آیات به دست می‌آید این است که حب خدا آن حب ممدوح و حقیقی است و شرط آن نیز پیروی از خدا و رسول و اولی الامر است.

۹. حشر با محبوب در روایات

رسول خدا ﷺ پیرامون حشر با محبوب می‌فرماید: «هرکه گروهی را دوست دارد خدا وی را با آنها محشور کند». (پاینده، ۱۳۸۲، ۷۶۳/۱) امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مبادا دشمنان خدا را دوست بداری و یا دوستی خود را برای غیر خدا تصفیه گردانی؛ زیرا هرکس گروهی را دوست بدارد خدا او را با آنان محشور می‌کند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۱۷۰/۱). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند بنده‌ای را دوست نمی‌دارد تا ولایت، دوستی و اطاعت او را بپذیرد و دوست نمی‌دارد تا اینکه او را وارد بهشت کند» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ۳۲۵/۱). همه این روایات به همراهی ولایت و اطاعت با محبت اشاره دارد. در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: «مگر ایمان چیزی جز حب و بغض است» (کلینی، ۱۴۲۹، ۳۲۴/۳)؛ یعنی ایمان فقط حب و بغض است نه چیز دیگر. آیت‌الله جوادی آملی با توجه به تفسیر تسنیم خود به بحث محبت و سپس حشر با محبوب می‌پردازد و ذیل آیات مذکور نکات مهمی را تبیین می‌کند:

۹-۱. خاستگاه محبت

منشأ هر نعمت و کمالی ذات خداوند است. خدا دوستی نوعی کمال است. انسان خود این کمال را ندارد و تنها خدا که محب بندگان است آن را به انسان می‌دهد. خداوند ابتدا علاقه به جمال و

کمال خود را به همگان می‌دهد و گرایش به حق را در دل او قرار می‌دهد. اگر انسان براساس این میل عمل کند محبوبیتش نزد خدا افزون خواهد شد. ازسوی دیگر اگر محبت خدا شامل حال کسی نشود هرگز علاقه و محبت خدا را در خود حس نخواهد کرد. به همین دلیل خداوند هر کمال و فضیلتی را از خود و هر عیب نقصی را از انسان می‌داند. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ۶۲/۱۴) براساس بیان استاد جوادی آملی خاستگاه محبت ابتدا خود ذات حق تعالی و محبت او به بندگان و سپس فطرت کمال پسند انسانی و کمال مطلق بودن خداوند است.



۹-۲. حب و بغض الهی

محبت و غضب دو صفت خداوند است، اما مانند محبت و غضب انسانی که بر اثر تأثر و انفعال است، نیست و صفت فعل خداوند است. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ۴۷/۱۴) محبت از اوصاف جمال و غضب از صفات جلال خداوند است و این دو از هم جدا نیستند و سرچشمه هر دو لطف خداوند است.

۹-۳. دو طرفه بودن محبت

محبت رابطه مشترک خداوند و بندگان اوست؛ یعنی برخلاف پندار برخی، هم عبد می‌تواند محب باشد و خداوند محبوب او و هم خدای متعال محب است و عبد محبوب وی. طاعت مختص عبد است و مغفرت ویژه رب. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ۳۵/۱۴) خداوند در آیه ۵۴ سوره مائده برای یاوران دین، پنج ویژگی را بیان می‌کند که یکی از آنها محبت دوجانبه آنها و خداوند است. این گروه تمام صفات ثبوتی که در قرآن با عبارت «اللّٰهُ یحب» آمده است را دارند و از تمام صفات سلبی که در قرآن با عبارت: «اللّٰهُ لا یحب» آمده است، مبرا هستند. عبد سالک نخست باید محب خدا شود، سپس محبوب او. تنها دوست داشتن خداوند که آغاز راه است، کافی نیست؛ زیرا خدایی که همه کمالات بشر از اوست دوست داشتنی است، بلکه انسان باید به جایی برسد که محبوب خدا شود تا آثار آن در وی ظاهر شود و این هنر بزرگی است. اگر کسی می‌خواهد محبوب خدا شود باید محب او شود و محب راستین، کسی است که در همه کارها حبیب اللّٰه را اسوه خود قرار دهد؛ یعنی

انسان در پرتوی عنایت ویژه خداوند با پیروی از حبیب‌الله از مرحله محب بودن به مرحله محبوب شدن می‌رسد. محبت در صورتی کامل و اتم است که دوطرفه باشد، پس محبت از جانب بنده و خدا صورت می‌گیرد، اما اطاعت از جانب بنده و مغفرت و آمرزش از جانب خداوند صورت می‌گیرد. محب خدا در اثر پیروی از رسول خدا ﷺ محبوب خدا می‌شود و به مقامی می‌رسد که هر چه دارد در راه خداوند می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۲۳).

۹-۴. همراهی محبت با اطاعت و عبادت

انسان برای پیمودن راه محبت به راهنما نیازمند است تا هر برنامه‌ای را به‌دستور او انجام دهد. به همین دلیل خداوند به حبیب خود فرمان می‌دهد که به مردم بگوید: «اگر دوستدار خدا هستید از من (پیامبر ﷺ) پیروی کنید تا محبوب او شوید». خداوند محبت را همراه اطاعت می‌داند و واسطه آن، رسول خدا ﷺ است. از آثار چنین محبتی، اشاره به مغفرت و محبت متقابل است. محب خدا در اثر پیروی از پیامبر ﷺ محبوب خدا می‌شود و به مقامی می‌رسد که هر آنچه دارد در راه خدا نثار می‌کند. محبت واسطه میان معرفت و اطاعت است؛ یعنی معرفت علتی برای محبت است و محبت علتی برای اطاعت. بر این اساس است که در دین اسلام به محبت تأکید شده است و حتی علت تأکید محبت به رسول خدا ﷺ و اهل بیت ﷺ نیز همین امر است؛ زیرا محبت است که اطاعت را به همراه دارد. انسان بینش (عقل نظری) و گرایش (عقل عملی) دارد. محبت و جهاد اکبر از شئون عقل عملی هستند. اگر انسان در جهاد اکبر پیروز شود نیروی جذب و دفع او تعدیل پیدا می‌کند، پس از تعدیل در مرحله اول، در او ارادت و کراهت یا محبت و عداوت ایجاد می‌شود و پس از تعدیل بیشتر به صورت تولی و تبری جلوه می‌یابد. پس انسان باید از جذب و دفع (عالم جمادات) و از شهوت و غضب (حیوانی)، ارادت و کراهت و محبت و عداوت (انسانی) رهایی یابد تا به مرحله تولی و تبری برسد که همان مرحله نهایی (کنش) است.

جذب و دفع و شهوت و غضب بر اساس خیال و وهم است. از این رو، متحرک به میل است نه اراده. انسان هم مرتبه پایین‌تر (جذب و دفع) را دارد، اما اگر بر اساس عقل عملی حرکت کند متحرک بالاراده است و در متن دین (انجام واجبات و ترک محرّمات) قرار می‌گیرد. (جوادی آملی،

۱۳۹۰، ص ۱۴) سپس با استفاده از عقل عملی به مرحله تولی و تبری می‌رسد؛ یعنی دوستی و محبت برای خدا و دشمنی و عداوت با غیر او. در قرآن از محبت انصار به مهاجرین در آیه ۹ سوره حشر به عظمت یاد شده که مصداقی از تولی است. محبت عقلی همان‌گونه که سرچشمه تولی و تبری است سرچشمه خوف و رجا نیز است. محبت و پیروی، تعامل متقابل دارند. بخشی از محبت، مایه پیروی و بخشی از پیروی مایه ازدیاد محبت است و این هماهنگی ناگسستنی است (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ۷۵/۱۴). در آیه ۳۱ سوره آل عمران در بحث محبت، عبارت: «فاتبعونی» آمده است. در آیه ۵۴ سوره مائده بلافاصله بعد از بحث حب و محبت، آیه ولایت آمده است که این خود اهمیت اطاعت بعد از محبت و همراهی این دو را متذکر می‌شود.

علاوه بر اطاعت، یکی دیگر از آثار محبت، عبادت است. استاد جوادی آملی این مطلب را این‌گونه تقریر کرده است: «اثر محبت، اطاعت و یکی از جلوه‌های اطاعت، عبادت است. عبادت گاهی از روی خوف جهنم و عذاب الهی است که در روایت از آن به عبادت عبد و بنده یاد شده است. گاهی از روی طمع بهشت است که عبادت تجار است و گاهی از روی محبت است که همان عبادت حقیقی است که اثر آن لذت و نشاط در عبادت است». عبادت برخاسته از محبت، خستگی به دنبال ندارد. به همین دلیل فرشتگان را هرگز خسته نمی‌کند. کسی که از ترس جهنم و یا طمع بهشت عبادت می‌کند گرفتار نفس خویش است و هنوز به مقام (ترس از مقام رب) خوف الهی نرسیده است (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۱۴). با توجه به همین مطالب است که عبادت مشرکی که محبوب و معبود هایش بت‌ها هستند در مرحله پایین و در وهم و خیال باقی می‌ماند؛ زیرا عبادتی از روی ترس و طمع است نه محبت و به مرحله عبادت عقلی نمی‌رسد. عبادت‌های موحدانه است که انسان را به سعادت اخروی می‌رساند (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ۲۸۷/۸). نتیجه اینکه گاهی محبوب‌های انسان چیزهایی جز خداوند متعال است که انسان از شدت علاقه از آنها پیروی می‌کند، اما چون منشأ عقلی ندارد و مربوط به قوه وهم و تخیل است او را از پیمودن راه سعادت بازداشته و از مسیر کمال دور می‌کند.



۹-۵. حرکت براساس حب

استاد جوادی آملی در بیان این مبحث براساس مبانی فکری ملاصدرا این‌گونه تبیین کرده است: «براساس مبانی حکمت متعالیه شوق و علاقه میان دو چیز پیوند خاص وجودی است و چون حقیقت هستی، مراتب تشکیکی دارد اشتیاق و کشش در تمام ذرات هستی وجود دارد و نیز هر مرتبه از هستی، حکم خاص همان درجه را دارد. گاهی به صورت جذب و دفع در نهاد گوهرهای کانی حضور دارد و زمانی به صورت اخذ و اعطا در گیاهان رستنی جلوه می‌کند و هنگامی به شکل شهوت و غضب در حیوان‌های تربیت‌نشده پدید می‌آید. گاهی نیز به صورت میل و نفرت در حیوان‌های تربیت‌شده و برخی افراد تربیت‌نشده انسانی ظهور می‌کند و آن‌گاه فاصله‌های طولانی را می‌پیماید تا به صورت تولی و تبری و حب فی‌الله و بغض فی‌الله تجلی کند که از آن بانام حرکت حبی یاد می‌شود؛ یعنی حرکت انسان براساس حب و بغض» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۴۵/۱)

۱۰. نتیجه‌گیری

باتوجه به آیات حشر و بررسی آنها از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی به دست می‌آید که انسان با معبود خود محشور می‌شود و براساس آیات محبت هر معبودی ابتدا باید محبوب باشد، پس هر انسانی ناگزیر با محبوب و معبود خود محشور خواهد شد. از طرف دیگر حشر به دوسو ختم می‌شود: یا به سوی خداوند رحمن و یا به سوی جهنم و محبوب هم یا خدا و محبوبان او هستند و یا غیر او و کسی سعادت‌مند است که محبوب او خداوند رحمن باشد. کسی که خدا را محبوب خود قرار دهد سعادت‌مند و درکنار اولیای خدا خواهد بود و کسی که غیر خدا را معبود و محبوب خود قرار دهد سرانجامی جز آتش جهنم ندارد و بابت‌ها و محبوب‌های خود به سوی جهنم روان است. همچنین به دست می‌آید که پس از پذیرش خداوند در قالب یگانه محبوب و معبود باید شرایط آن نیز به طور کامل رعایت شود؛ زیرا اثر حب اطاعت و پیروی از محبوب است و این شرط چیزی جز پذیرش ولایت خداوند و پیامبران و اولی الامر الهی نیست. اینجاست که تولی (دوستی به دلیل خدا دوستی) و تبری (دشمنی به دلیل خدا دوستی) نیز معنا می‌شود.

فهرست منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۳). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: دار القرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، و غفاری، علی اکبر (۱۳۶۳). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
۲. ابن منظور، ابوالفضل، و جمال الدین، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار الفکر.
۳. ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. اصفهانی، حسین بن محمد راغب (۱۳۱۳). مفردات الفاظ القرآن. لبنان: دار العلم، الدار الشامیه.
۵. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه. قم: دنیای دانش.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، و رجایی، سید مهدی (۱۴۱۰). غررالحکم و درر الکلم. قم: دار الکتب الاسلامی.
۷. جوادی آملی، عبدالله، و لطیفی، محمود (۱۳۸۶). زن در آئینه جمال و جلال. قم: مرکز نشر اسراء.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). تفسیر تسنیم. قم: مرکز نشر اسراء.
۹. سبحانی، جعفر، و ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۹۸). محاضرات فی الالهیات. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۰. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶). مجمع البحرین. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۱۱. فیومی، احمد بن محمد مقرئ (بی تا) المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. قم: منشورات دار الرضی.
۱۲. قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۳. کلیلی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹). کافی. قم: دار الحدیث.
۱۴. مصطفوی، حسن (۱۴۰۳). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز الکتب لترجمه و النشر.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، و جمعی از فضلا (۱۳۸۶). پیام قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

